

## فستیوال فرآورده‌های معنوی در عید قربان!

از میان اعیاد اسلامی، دو عید رسمی‌تر است و پذیرش بیشتری در میان فرقه‌های متعدد اسلامی دارد؛ عید فطر و عید قربان.

عید فطر را که به دنبال يك ماه روزه‌داری و امساک از خوردن و آشامیدن است، همه مسلمانان احساس می‌کنند و آمدن و رفتنش را خبردار می‌شوند، اما عید قربان را تنها جمع قلیلی (نسبت به کل امت اسلامی) که در مراسم حج حضور دارند، عملاً درک می‌کنند و بقیه مسلمانان، اخبارش را از دور می‌شنوند. با این حال در فرهنگ و فلسفه اسلامی اهمیت این تلاش توحیدی و تأثیر اصلاحی آن در جامعه از روزه رمضان بیشتر است! چرا که تا اخلاص نباشد، شرك و ریا هر عبادتی را تباہ می‌سازد.

مراسم نمادین حج شامل مناسک متنوعی مثل: طواف کعبه، سعی میان صفا و مروه، نماز در مقام ابراهیم، وقوف در صحرای عرفات، مشعر، رمی جمرات و ... می‌باشد، اما قبولی همه آنها موکول و متوقف به قربانی شده که در روز دهم انجام می‌شود و حج بدون قربانی مثل درخت بدون میوه است! ... این حرکت سمبلیک چه پیامی دارد که همه اعمال حج مقدمه آن شمرده می‌شود!؟

درست است که همه مسلمانان در مراسم قربانی حج حضور ندارند، اما قربانی حج، نه ریختن خون حیوانی زبان بسته، که بزرگداشت نمادین قربانی ابراهیم خلیل است. مگر نه این است که همه ملت‌ها به یاد و خاطره خدمت گذاران‌شان در گذشته تاریخ جشن می‌گیرند تا هویت‌شان را فراموش نکنند؟ چه یادی آموزنده‌تر از مرور مجاهدت‌های آن آزاده مرد تاریخ برای پیروان ادیان توحیدی تا از شرك و شخصیت‌پرستی ریشه‌دار در تاریخ و فرهنگ‌شان پیراسته شوند؟

نهایت آرزوی يك عاشق، وصال معشوق است و آنچه موجب قرب به محبوب گردد، عالی‌ترین مطلوب هر طالبی است، پس عید قربان شایسته است برای مؤمنین به چنان ارزش‌هایی، به عنوان جشن پیروزی انسان بر خود. غیرخدائی‌اش، که از دید دینی والاترین پیروزی‌هاست، تلقی گردد و شادی بخش‌ترین روزهای سال شمرده شود.

نام دیگر عید قربان، که اهل تسنن ادا می‌کنند، "عید اضحی" است. "ضحی" در زبان عربی به گسترش نور آفتاب پس از طلوع خورشید در سپیده دم گفته می‌شود و قربانی را از آن جهت "اضحیه" می‌نامند که باید در روز عید، هنگام گسترش نور آفتاب (نه قبل و نه بعد آن) انجام شود. معنای اصلی این کلمه "ظهور و بروز" است، همچون ظهور عکس در کاغذ حساس عکاسی در اثر پرتو نور که می‌تواند تمثیلی باشد از ظهور صفات الهی در سینه‌های صاف و حساس به نور حق. ضحی نام سوره ۹۳ قرآن است که خداوند به چنین پدیده‌ای که از نظر لغوی در تقابل با لیل (شب فراگیر) قرار دارد و حاوی پیام نمادین مهمی است، برای جلب توجه و عبرت‌آموزی بندگان سوگند خورده است: والضحی واللیل اذا سجي....

مدت اقامت دو یا سه روزه در صحرای "منا" پس از انجام قربانی را، ایام "تشریق" می‌نامند. تشریق که مصدر "شرق" و هم خانواده با مشرق است، به تابش نور خورشید در این مدت اشاره دارد که اعراب بدوی، پخته شدن گوشت خام گوسفند‌های قربانی در پرتو حرارت خورشید را از آن می‌فهمیدند و اهل باطن از این ظواهر فراتر رفته و پخته شدن خامی‌های نفس را پس از انجام قربانی و سه روز وقوف در این شرایط و اندیشه در اشتباهات گذشته استنباط می‌کنند.

در همین منطقه، کوهی را که پیامبر اسلام بر فراز آن در غار حراء عبادت می‌کردند، جبل النور (کوه نور) می‌نامند! همه این اوصاف، از ضحی و تشریق و نور، نشان از نگاهی دارد که به روشنائی ناشی از هدایت اشاره می‌کند. نمایشگاه‌های متعارف برای عرضه کالاهای تجارتي هم معمولاً با نورپردازی، آتش بازی، چراغانی و زرق و برق و زینت‌ها همراه است و در کشور‌های غربی از تکنولوژی لیزری برای ارائه تصاویری در آسمان یا انفجار خمپاره‌های رنگین هوایی در سالگرد استقلال یا پیروزی بهره می‌گیرند.

تدابیر و تدارکات معمول تماماً برای معرفی و فروش کالاهای مادی و مصرفی است تا هرچه بیشتر بشر شیفته به ظواهر و زیبایی‌ها را جذب کند. گوئی خدا هم برای عرضه کالاهای معنوی‌اش از این زیباپسندی بندگان استفاده کرده تا ذوق خرید آنها را اشباع کند. با این تفاوت که در اینجا کالاهای دیگری از اخلاص و الهام عرضه می‌گردد و از آنجا که اعمال و مناسک حج چیزی جز نمایش نمادین زندگی ابراهیم(ع) و سیرایمانی او به سوی توحید خالص و تسلیم حنیف‌وار نیست، در این فستیوال فرآورده‌هایی از فکر و ایمان آن موحد ممتاز در معرض تماشای عموم قرار می‌گیرد تا هرکس به فراخور فهم و فراست خود از آنها فراگیرد.

مراسم قربانی در واقع آخرین مرحله از سیری است که ابراهیم با تقدیم عزیزتر از جان خود در آستانه دوست طی کرد و ما امروز پس از قریب چهار هزار سال چنین تحول شگفتی در روح و جان آدمی را جشن می‌گیریم و از آئینی که او پایه‌گذاری کرد پیروی می‌کنیم.

## ابراهیم، کلیدی برای گشودن کینه‌ها

آیا در هزاره سوم، در روزگار انفجار اطلاعات و اکتشافات فضائی کهنه پرستی و پیمودن سیرقه‌قرائی نیست که به چهار هزار سال قبل برگردیم و از انسانی متعلق به آن دوران الهام بگیریم؟! زندگی ابراهیم چه دردی از روزگار ما را درمان می‌کند و چه‌گرهی از مشکلات اجتماعی و اقتصادی ما را باز می‌کند؟ این بازنگری و قرائت تازه چه فایده‌ای دارد؟

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که موجی از بدبینی و عداوت را دامن زد، گروه‌های صلح طلب و انسان دوستی از آمریکا و کانادا و سایر نقاط جهان در جستجوی یافتن راه‌های مسالمت‌آمیز برآمدند و در تلاش خود برای وحدت بین مذاهب و برقراری آشتی و صلح پایدار میان پیروان، عمدتاً بر شخصیت ابراهیم که مورد احترام و تجلیل هر سه شریعت یهودی، مسیحی و مسلمان است تکیه و تأکید کردند.

عنوان اولین کتابی که به سرعت پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۲ به چاپ رسید، "ابراهیم، سفری به قلب سه باور" (Bruce Feiler) نویسنده این کتاب خاطر نشان می‌سازد:

"همه ما یک پدر داریم.... شخصیتی که محبوب یهودیان و مسیحیان است، پایه‌گذار و مؤسس اسلام نیز محسوب می‌شود که می‌تواند به عنوان پل رابطه‌ی میان اسلام و غرب موجب شگفتی آمریکائیان در این روزگار پُر تَنَش گردد."

"We have the same father.... a figure beloved by Jews and Christians has a Muslim constituency, suggesting a connection between Islam and the West that might surprise most American in this tens season"

سخن فوق دقیقاً همان چیزی است که در آیه ۷۸ سوره حج به آن اشاره شده و ابراهیم را پدر امت اسلام نیز شمرده است.

(Eugene Fisher) اوجن فیشر رئیس ارتباطات میان یهودیان و مسیحیان آمریکا در کنفرانس اسقف‌های کاتولیک می‌گوید:

برای توفیق در برنامه‌های تفاهم میان پیروان مذاهب، راه اصلی از ابراهیم می‌گذرد:

"...to respect and understand one another, a key road leads through Abraham"

و اضافه می‌کند: "شما رویکرد به خدا را با هر اسمی در این سه شریعت عنوان کنید؛ اندیشه توحیدی، رادیکال‌ترین فهم جدید و زیرساخت اندیشه تمدن غربی است..."

"Monotheism is a radically new understanding, the underlying concept of Western civilization..."

"...هیچ باوری همچون اسلام توحیدی نبوده و توجه این آئین به ابراهیم و تشابهش با آئین ما بسیار مسرت‌بخش است. اگر بسیاری از یهودیان او را جد بزرگ خود می‌شمارند که نوادهاش یعقوب ملت اسرائیل را بنیاد نهاد، مسلمانان او را به عنوان یکی از چهار پیامبر اولوالعزم که تسلیم مطلق به خدا بود می‌شناسند و پیامبر اسلام اعلام کرده است که رسالت او بازسازی آئین ابراهیم است..."

"No faith is as self- consciously monotheistic as Islam, and its embrace of Abraham is correspondingly joyful. If many Jews know him best as a dynastic grandfather whose grandson Jacob actually funds the nation of Israel, Muslims regard him as one of the four important prophets. So pure is his submission to the one God that Mohammad later says his own message is but a restoration of Abrahamic faith..."

در پرتلند اورگان گروه "پیشگامی ابراهیم" (Abraham Initiative) برنامه دو ساله‌ای را در سطح شهر برای ایجاد وحدت میان ادیان ابراهیمی تنظیم کرد و در نیویورک نیز گروه پروتستان (Chautauqua Institution) در این زمینه برنامه‌ریزی گسترده‌ای انجام دادند.

به قول دیوید ون بی (David Van Biema) که چندی پیش مقاله‌ای از او در مجله تایم در ارتباط با تلاش برای ایجاد تفاهم میان مذاهب منتشر شد؛ "در تئوری، اجماع قابل توجه پیروان سه شریعت بزرگ دنیا بر شخصیت ابراهیم، در این روزگار خشم و بی‌اعتمادی، او را تبدیل به سرچشمه و ستاره درخشانی برای ایجاد تفاهم و همبستگی میان این ادیان کرده است".

"In theory, this remarkable consensus should make him an inter faith superstar, a special resource in these times of anger and mistrust."

چنین آمادگی‌هایی در غرب تا حدودی فراهم شده است. در قرآن نیز سرچشمه چنین وحدتی به مراتب جوشان‌تر است و مسلمانان می‌توانند از مراسم حج سکوی بلندی برای ایجاد صلح جهانی و وحدت میان پیروان سازنده کعبه بسازند و نقش مهمی در این زمانه ایفا کنند.

از دید قرآنی؛ ابراهیم پدر امت اسلام بود و نام مسلمان را او بر این مردم نهاد (حج ۷۸)، پیامبر اسلام پیرو آئین ابراهیم بود (نحل ۱۲۳)، تنها آئین (ملت) مورد تصدیق خدا ملت ابراهیم است و در قرآن کلمه ملت (آئین) به هیچ پیامبر دیگری نسبت داده نشده است. ابراهیم از عهده همه امتحانات الهی برآمد (بقره ۱۲۴)، ابراهیم الگوی انسان کامل و قابل تاسی در قرآن است (ممتحنه ۴) و نام او ۶۹ بار در ۳۰۰ آیه از ۲۵ سوره قرآن به عنوان مصداق حقایق آن سوره آمده است، او اولین کسی است که به مقام امامت (الگوی کامل بودن) رسید (بقره ۱۲۴)، تمامی اعمال حج تبلور زندگی ابراهیم است (آل عمران ۹۷ و بقره ۱۲۵)، دین اسلام، همان آئین ابراهیم است (انعام ۱۶۱)، او وفای کامل به عهد الهی کرد (نجم ۳۷)، او حق گرای مطلق (حنیف) و تسلیم شده به حق بود و هرگز به شرک، آلوده نگشت.

چگونه و با چه اطمینانی می‌توان به آئین پاک ابراهیم پس از حدود ۴۰۰۰ سال دسترسی پیدا کرد؟ در حالی که بیشتر مردم اهل تحقیق و تفحص و شناخت نیستند؟ به نظر می‌رسد مناسب حج که از همان هزاره‌های پیش سلسله‌وار تداوم داشته است حاوی پیام‌های نمادینی است که مورد قبول همه انسان‌ها از هر مذهب و مرامی می‌باشد. ذیلاً به برخی از درس‌های این مراسم اشاره می‌کند:

## درس اول: رعایت حریم، حرمت و احترام

فروید انسان را حیوانی می‌دانست که حریمی برای غرائزش نمی‌شناسد و عقل و اندیشه‌اش را در اسارت احساس و غریزه می‌گیرد. روسو و جان لاک پذیرش نرّم‌ها و مقررات اجتماعی (حریم‌ها و حرمت‌ها) را لازمه تمدن و پیشرفت شمردند. قرآن نیز لباس تقوا (کنترل نفس) را شرط آمیت اعلام کرده است.

در حج، گام نخست را باید از تمرین رعایت "حرمت‌ها" آغاز کرد؛ از حرمت آب و خاک و گیاه و حیوان گرفته تا انسان، کشتن يك پشه نیز کیفر سخت دارد! امر و نهی، دروغ، دشنام، جرو بحث و جدال در این سفر، باطل کننده آن است. همه لباس‌های تفاخر و تفرعن را باید در احرام فرو نهاد و به دو پارچه یا حوله سپید، همچون بقیه بندگان بسنده کرد. حفظ محیط زیست، نگهداری حرمت و حیات موجودات دیگر و سبزی را ستودن، قبل از تأسیس سازمان‌های سبز در غرب از هزاره‌های پیش توصیه شده است.

## درس دوم: گرد آمدن پروانه وار پیرامون شمع هستی

قرآن نیاز و جاذبه گردآورنده کودکان پیرامون والدین را "طواف" نامیده است (طوافون علیکم- نور ۵۸)، این جاذبه مهر و محبت مادری نوعی دلدادگی و وابستگی می‌آورد که به خدمت و طاعت با میل و رغبت کشیده می‌شود. در دنیایی که اکثریت بر محور منافع زودگذر مادی می‌چرخند، گذشتن از فردیت و منیت‌های محدود، و گردش پیرامون خورشید جهان تاب رحمت، نور و گرمای دیگری به کالبد سرد و افسرده جهان خواهد دمید.

## درس سوم: برپائی و خیزش

رمز و راز، نماد و نشانه، عصاره و خلاصه مناسک حج در قیام ابراهیم علیه فرهنگ شرك‌آمیز و ظلم‌آلود زمانه ارائه شده است که هر مسلمانی باید در عمر خود برای يك بار هم که شده این نقش را تمرین کند. منظور از قیام، که برخاستن در هر ظرف زمانی و مکانی است، ایستادگی در برابر جباران و طاغوت‌های روزگار و پرستش خالص خداست و قرآن در دو آیه، همه حج را در قیام ابراهیم خلاصه کرده است:

بقره ۱۲۵ - واتخذوا من **مقام ابراهیم** مصلی (از مقام ابراهیم دستگیره نجاتی در رویکرد به خدا بگیرید).

آل عمران ۹۷ - فیه آیات بینات **مقام ابراهیم** (در حج نشانه‌های بس روشنی است؛ همان مقام ابراهیم).

مصلا گرفتن از مقام ابراهیم، در رویکرد به خدا، تبعیت از آئین اوست؛ در بت شکنی، در توحید و تسلیم حنیف وار، در وفای به عهد، آزاداندیشی، جانبازی، مهر و محبت، شکر، حلم، تواضع، صفا و صداقت، تولی و تبری و...

## درس چهارم: تلاش و توکل

هفت بار طی کردن فاصله میان دو کوه صفا و مروه را، که شاید نشانی از صفا و مروت باشد، در تکرار تلاش هاجر برای رسیدن به آب حیات، و توکل او همراه تلاشش، که سرانجام به جوشش زمزم انجامید، ما را به بهره‌گیری از دو منبع لایزال فرامی‌خواند؛ منبع درونی از خود و منبع بیرونی از خدا. این همان گفتار زیبای مولانا جلال الدین است:

آب کم جو تشنگی آور به دست	تا بجوشد آبت از بالا و پست
رو بدین بالا و پستی ها بدو	تا شوی تشنه، حرارت را گرو
کشت جان را کش جواهر مضمر است	ابر رحمت پر ز آب کوثر است

## درس پنجم: پیرایش و پالایش پس از پیروزی

رسم و معمول میان آدمیان، آراستن خود قبل از رفتن به ضیافت و دیدار دوستان است، اما در این سفر موقعی به دیدار دوست نائل می‌شویم که حجاب منیت‌ها را برداشته و خود را از خودخواهی‌ها شسته باشیم! این است تفاوت ملاقات و دیدار درونی با ملاقات‌های ظاهری و دیدارهای بیرونی!

در مراسم حج، تراشیدن موهای ژولیده در سفر طولانی و کوتاه کردن ناخن‌ها، پس از اتمام مناسک و زدودن زنگار دل مجاز می‌شود: **ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَنَّهُمْ وَلِيُؤْفُوا نُؤْرَهُمْ ...** (سپس چرک‌های خود بسترند و فروگذارند و نذرهای خویش ادا کنند و... حج ۲۹).

## درس ششم: معرفت و آگاهی

حاجیان در عصر روز نهم به صحرای "عرفات" کوچ می‌کنند و با توقف در این مکان، تأمل در سیر ایمانی ابراهیم در آن ابتلای سترگ، شناخت پروردگار و نعمت‌های او، شناخت جهان هستی و مسئولیت‌های انسان، شناخت انبیاء و تاریخ امت‌ها و راه طی شده آدمی، به خود آگاهی می‌رسند.

## درس هفتم: شعور و شناخت عمیق

با غروب آفتاب در روز نهم، حاجیان حرکتی دسته جمعی به صحرای "مشعرالحرام" می‌کنند تا با شناخت عمیق‌تر "حرمت‌ها و حریم‌ها"، مرزها و محدوده‌های حقوق خود و دیگران را بهتر بشناسند. شعور از ریشه "شعر" (موی سر) دلالت بر شناخت عمیق‌تری از معرفت می‌کند. "شاعر" نیز که به نازکی و ظرافت موی سر (شعر) سخن می‌سراید، به مدد معنای لغوی، ما را به مفهوم "مشعرالحرام" بیشتر آگاه می‌کند. ادیان ما را با این حرمت‌ها آشنا کردند و بشر امروزی این حرمت‌ها را به نام "قانون" مدون و مکتوب کرده و به تصویب رسانده است. از جمله این قوانین، حرمت حقوق بشر است که سرلوحه حرمت‌هاست و مناسک حج نمی‌تواند از نقض مکرر آن در دنیای امروز و به خصوص در جوامع اسلامی به راحتی و بی تفاوتی از کنار آن بگذرد.

## درس هشتم: دشمن شناسی و ایمنی از آفات سه گانه

به قول زنده یاد دکتر شریعتی، شیطان همواره در سه زمینه: زر و زور و تزویر در سه چهره: هامان و قارون و فرعون، با سه حربه: تیغ و طلا و تسبیح و سه برنامه: استثمار و استعمار و استحمار (خر کردن ملت) در کمین مردم است. و آدمی تنها درسه جلوه خدائی، یعنی پناه جستن به "رب الناس"، "ملك الناس" و "اله الناس" است که می‌تواند به سعادت برسد.

حاجیان در رفتاری سمبلیک (که متأسفانه کمتر به آن آگاهی دارند) قبل از رسیدن به مرحله قربانی، این سه نماد را باید با سنگ ریزه‌های جمع‌آوری شده در مرحله مشعر نشانه‌گیری کنند و از خود دور سازند. آیا در دنیای امروز غول قدرت نظامی، ثروت و سرمایه‌داری سلطه‌گر و فریب‌های فکری و فرهنگی این نقش را ایفا نمی‌کنند؟

## درس نهم: عشق

پس از عبور از مراحل عرفات و مشعر، یعنی شناخت و شعور و رمی و رهائی عوامل بازدارنده است که آهنگ کننده (حاجی) به قربانی می‌رسد. منظور از قربانی، ریختن خون حیوانی زبان بسته نیست. برعکس، این نمادی است از تعطیل قربانی کردن انسان در آستان خدایان و استفاده از نعمات خدا. به قول اقبال لاهوری:

كعبه يك سنگ نشانی است كه ره گم نشود      حاجی احرام دگر بند ببین یار كجاست

ابراهیم از: خانه پدری، سرزمین آباء و اجدادی، نام، آبرو، جان و عزیزتر از جانش اسمعیل، به خاطر هدفی بالاتر گذشت، آیا برای دنیای در فردیت غرق شده امروز چنین الگویی کافی نیست!؟

## درس دهم: خرج و خدمت

قربانی با قرب و تقرب و قریب و... هم ریشه است. قربانی وسیله‌ای برای تقرب و نزدیک‌تر شدن به هدف است. با زبان می‌توان قربان عزیزی رفت و به رئیسی بله قربان گفت! اما قربانی در عمل به میزان خروج از خودخواهی و خرج کردن برای دیگران در راه حق معنا می‌دهد. دو فرزند آدم، هر دو قربانی کردند، یکی به قالب قربانی پرداخت و ظاهر را آراست و دیگری به قلب قربانی و باطن را با دور شدن از منیت‌ها آباد ساخت.

مهم‌ترین پیام جشن قربان برای انسان قرن بیست و یکم، رهائی از قید و بند خودخواهی‌های فردی و اجتماعی و پیوستن پروانه‌وار به پیام نور است.